

Original Article

A Study of Resistance Economy System in Citizenship Rights from a Jurisprudential Point of View

Elham Seify¹, Seyyed Mohammad Reza Emam^{2*}

1. Ph.D. student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: mremam@ut.ac.ir

Received: 2 May 2018 Accepted: 1 Sep 2018

Abstract

Upon the emergence of societies, the first relationship that humans needed to establish between themselves was transaction. As time went by transaction turned to one the most vital branches of human basic needs and grounded what we know today as economy. With the development of people's intellectual level economy evolved to more complicated form until numerous theories were offered in order to enhance its level of quality. One of the principles that have been emphasized in recent years is the necessity of transparent and competitive economic system. The article 44 of the constitution, according to Supreme Leader, can be a basis for resistance economy as one of the strategies of foundation of a transparent and competitive economy. Meanwhile one of the most fundamental principles that have been stipulated in the citizenship rights notified by President Rouhani is the principle of support of competitive and transparent economy. This system is influential in the creation of a healthy economy and can serve as a strategy for the realization of the vital principle of resistance economy and citizenship rights. The current essay seeks to see whether jurisprudence can provide strategies and reasons for this task and it seems that jurisprudential principles can offer a correct basis for better implementation of this principle. This study has been conducted based on document analysis and library researches.

Keywords: Reasons; Jurisprudential Principles; Citizenship Rights; Competitive Economy; Resistance Economy

Please cite this article as: Seifi E, Emam SMR. A Study of Resistance Economy System in Citizenship Rights from a Jurisprudential Point of View. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 109-121.

مقاله پژوهشی

بررسی نظام اقتصاد رقابتی در حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی

الهام سیفی^۱، سیدمحمد رضا امام^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mremam@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۰

چکیده

بعد از شکل‌گیری جوامع بشری، اولین رابطه‌ای که میان انسان‌ها شکل گرفت، تبادلاتی بود که بر اساس نیازشان بین آنان صورت پذیرفت و در حوزه‌های مختلفی، مانند خرید و فروش و معاوضه کالاها انجام شد. با پیشرفت و افزایش سطح فکری مردم این تبادلات شکل پیچیده‌تری به خود گرفت که امروزه به آن «اقتصاد» می‌گویند. بعدها اقتصاد شکل کامل‌تری یافت تا این‌که نظریات بسیاری در جهت ارتقای سطح کیفی آن بیان شد. در کشور ما یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، نظام اقتصاد رقابتی است که مقام معظم رهبری برای تحقق و اجرایی‌شدن اصل ۴۴ به آن تصریح نموده‌اند. در عین حال از مهم‌ترین مبانی که در حقوق شهروندی، رئیس‌جمهور وقت از آن نام برده بردند، «اصل حمایت از اقتصاد رقابت و شفاف» است. این اصل در به وجود آوردن یک اقتصاد سالم تأثیرگذار است و می‌تواند یک راه‌کار برای تحقق اصل حیاتی اقتصاد مقاومتی بوده و تأمین‌کننده حقوق شهروندی باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که فقه چه راه‌کار مناسبی برای دستیابی به اقتصاد سالم، شفاف و رقابتی ارائه می‌دهد؟ فقه هم با قواعدی، مانند قاعده آزادی و عدم اکراه، قاعده عدم انحصار یا عدم رفتار انحصارگرایانه، قاعده تعاون و قاعده حق اولویت توانسته راه‌کارهای مناسبی ارائه دهد. این نوشتار به روش اسنادی - کتابخانه‌ای تهیه شده است.

واژگان کلیدی: ادله؛ قواعد فقهی؛ حقوق شهروندی؛ اقتصاد رقابتی؛ اقتصاد مقاومتی

مقدمه

ادله فقهی همیشه راه‌گشای قوانین مدنی در طول تاریخ اسلام بوده‌اند. هر یک از این ادله فقهی نه تنها می‌توانند برای خود یک حکم باشند، بلکه می‌توانند معادله‌ای برای رسیدن به راه کارهای مناسب قوانین باشند. اقتصاد رقابتی اصلی است که در راستای رسیدن به اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راه کار مطرح شده است که رییس‌جمهور محترم در چهاردهمین بند از منشور حقوق شهروندی اصل حمایت از اقتصاد رقابتی و شفاف رایبان کرده‌اند. اگر به تعریف اقتصاد رقابتی توجه کنیم، خواهیم دید که در آن فعالیت بنگاه‌های دولتی و شبه دولتی در زمینه‌های تولیدی به حداقل ممکن رسیده و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی آزادند و با کم‌ترین تشریفات ممکن، وارد یک صنعت خاص شده یا از آن صنعت خارج گردند و متوجه می‌شویم که دولت به نوعی برای انجام فعالیت شهروندان، ملاحظاتی را به نفع تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران اعمال می‌کند که خود زمینه‌ساز حمایت از اقتصاد است. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی که چه قواعد فقهی چه راه کارهایی را برای اقتصاد مقاومتی ارائه می‌دهد؟ بانگاهی به این قواعد به این نتیجه مهم دست خواهیم یافت که اقتصاد باید پویا و غیر قابل انحصار باشد و دولت نباید راه‌های دسترسی به اقتصاد آزاد را مسدود کند و جلوی رسیدن به یک بازار رقابتی در جامعه را بگیرد، یعنی هرگاه اقتصاد جامعه‌ای انحصاری گردد، قطعاً زمینه رقابت را در بخش‌های مختلف به خصوص تولید از دست خواهد داد و رقابت در بازار برای گروهی خاص خواهد بود. این پژوهش در ۳ بخش آماده گردیده و در بخش پایانی از مباحث بیان شده، نتیجه کلی گرفته شده است.

۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- مفهوم «اقتصاد رقابتی»: اقتصاد رقابتی، اقتصادی است که در آن فعالیت بنگاه‌های دولتی و شبه دولتی در زمینه‌های تولیدی به حداقل ممکن رسیده و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی آزادند که با کم‌ترین تشریفات ممکن، وارد یک صنعت خاص شده یا از آن صنعت خارج گردند. در یک اقتصاد رقابتی، دولت محدودیتی برای قیمت محصولات

بنگاه‌های اقتصادی مختلف وضع نمی‌کند، در تعیین قیمت مواد اولیه، نرخ بهره وام‌های دریافتی و نیز نرخ ارز مصرفی بنگاه‌ها دخالت نمی‌کند و نرخ مالیات ثابتی را برای تمام بنگاه‌های تولیدی فعال در هر صنعت در نظر می‌گیرد. در یک اقتصاد رقابتی، مهم‌ترین عاملی که از افزایش قیمت محصولات مختلف جلوگیری می‌کند، عبارت است از: رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی فعال در آن صنعت و نیز ترس این بنگاه‌ها از ورود بنگاه‌های جدید. از طرف دیگر در یک اقتصاد رقابتی، نرخ بهره، نرخ مواد اولیه، نرخ ارز و نیز نرخ مالیات برای تمام بنگاه‌های فعال در یک صنعت خاص، یکسان خواهد بود و در نتیجه بنگاه‌ها برای افزایش سوددهی خود، تنها یک راه پیش رو خواهند داشت: تلاش برای جلب مشتریان بیشتر از طریق ارائه محصولاتی با قیمت و کیفیت مناسب.

شاخص‌های رقابتی بودن یک کشور عبارتند از:

- شاخص صادرات: میزان سهم صادرات یک کشور در صادرات جهانی یا یک منطقه خاص از دنیا.

- شاخص قیمت صادرات: نسبت قیمت‌های کالاها، محصولات یا خدمات صادر شده یک کشور در مقایسه با قیمت‌های کالاها، محصولات و خدمات وارد شده.

- شاخص ضریب نفوذ: نسبت بین میزان واردات به بازار داخلی یک کشور. در واقع این شاخص میزان وابستگی بازار داخلی به خارج از کشور را نشان می‌دهد.

- شاخص پوشش: نسبت میان ارزش صادرات و ارزش واردات بین دو کشور یا یک منطقه.

ویژگی‌های اصلی یک اقتصاد رقابتی عبارتند از:

- در یک اقتصاد رقابتی، دولت دخالت ناچیزی در زمینه صدور مجوزهای مختلف برای ورود و خروج سرمایه‌گذاران به حوزه‌های مختلف اقتصادی دارد و در نتیجه سرمایه‌گذاران می‌توانند با کم‌ترین تشریفات ممکن و در حداقل زمان، وارد یک صنعت شده یا از آن صنعت خارج شوند.

- در مکانیزم اقتصاد رقابتی، سازمان‌های دولتی در تعیین قیمت فروش محصولات بنگاه‌ها دخالت نمی‌کند و در نتیجه مهم‌ترین انگیزه بنگاه‌ها برای کاهش قیمت محصولاتشان، ترس از ورود سریع رقبای جدید خواهد بود.

- در یک اقتصاد رقابتی، سازمان‌های دولتی هیچ گاه حمایت از بنگاه‌های تولیدی را به صورت عرضه مواد اولیه با نرخ دولتی، عرضه ارز با نرخ دولتی یا عرضه وام‌های بدون بهره پیگیری نمی‌کنند و در نتیجه، کلیه بنگاه‌های تولیدی فعال در یک صنعت، قیمت کمابیش یکسانی را برای خرید مواد اولیه و ارز و نیز نرخ بهره کمابیش یکسانی را برای دریافت وام بانکی پرداخت می‌کنند.

- در چارچوب اقتصاد رقابتی، هرگاه دولت بخواهد منابع مالی خاصی را به منظور حمایت از تولیدکنندگان فعال در یک صنعت اختصاص دهد، همه منابع مالی مذکور به صورت ارائه تخفیف مالیاتی مشابه برای کلیه بنگاه‌ها (مثلاً کاهش ۱۰ درصدی مالیات پرداختی کلیه بنگاه‌های فعال در آن صنعت) اختصاص خواهد داد.

- در اقتصاد رقابتی، مدیران بنگاه‌های اقتصادی مختلف قادر نیستند که سود خود را از طریق اعمال نفوذ بر مأموران دولتی (برای جلوگیری از صدور مجوز برای ورود بنگاه‌های رقیب جدید، افزایش سهمیه خودشان مواد اولیه ارزان قیمت، کاهش سهمیه وام بدون بهره پرداختی به بنگاه‌های رقیب و نظایر آن) افزایش دهند و در نتیجه میزان پرداخت رشوه به مأموران دولتی به حداقل خواهد رسید. به این ترتیب تنها راه بنگاه‌های اقتصادی مختلف برای افزایش سوددهی آن است که تلاش کنند تا از طریق کاهش قیمت و بهبود کیفیت محصولاتشان، رضایت تعداد هر چه بیشتری از مشتریان را به دست آورند. در نتیجه در اقتصاد رقابتی، مصرف‌کنندگان جایگاه ویژه‌ای داشته و بنگاه‌های اقتصادی به صورت اتوماتیک انگیزه بسیار بالایی برای سنجش منظم و تلاش برای ارتقای روزافزون میزان رضایت مشتریان خود خواهند داشت.

- رمز اصلی موفقیت برنامه‌های مختلف خصوصی‌سازی، آن است که زمینه را برای نزدیک شدن به اقتصاد رقابتی فراهم سازند. بنابراین در صورتی که اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی با اجرای برنامه‌هایی به منظور بسترسازی برای اقتصاد رقابتی ترکیب نشود، بهبود چندانی در کارایی اقتصادی شاهد نخواهیم بود.

نکته قابل توجه آن است که کارایی بالای مکانیزم اقتصاد رقابتی در بهبود قیمت و کیفیت محصولات، ارتباط چندانی با تعداد بنگاه‌های فعال در هر صنعت ندارد، چه بسا که در یک اقتصاد غیر رقابتی، تعداد بنگاه‌های رقیب فعال در یک صنعت بیشتر از یک اقتصاد رقابتی باشد، اما باز هم میزان کارایی در اقتصاد رقابتی دارای تعداد کمی بنگاه رقیب، به مراتب بالاتر خواهد بود. در یک اقتصاد رقابتی، ممکن است برخی از محصولات فقط توسط یک یا ۲ شرکت تولید شوند، در حالی که به دلیل ویژگی‌های حاکم بر یک اقتصاد رقابتی، همان ۱ یا ۲ شرکت مرتباً قیمت و کیفیت محصولات خود را بهبود می‌بخشند. در این مرحله لازم است تعریف اقتصاد آزاد و غیر متمرکز را بررسی کنیم تا به ادله و راه‌کاری دقیق برای تحقق اقتصاد رقابتی دست یابیم.

اقتصاد آزاد یا غیر متمرکز بر اصل آزادی افراد در فعالیت‌های اقتصادی و محدود ساختن مداخله دولت در امور اقتصادی استوار است. در این نظام اقتصادی مالکیت خصوصی منابع طبیعی و کالاهای سرمایه‌ای پذیرفته شده و برای هر فرد آزادی اقتصادی وجود دارد. در نگرش افراطی به نظام اقتصادی آزاد، اعتقاد بر این بود که هر چه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر به عهده بخش خصوصی و نظام طبیعی بازار باشد، اقتصاد شکوفاتر خواهد شد و نقش دولت را نقشی اخلاک‌گر می‌دانستند که جریان صحیح و طبیعی و سالم بازار را به هم می‌زند. بنابراین فعالیت دولت باید به حداقل خود کاهش یابد. به عبارت دیگر مجموع فعالیت‌های اقتصادی در این نظام بر اساس عکس‌العمل‌های متقابل عرضه و تقاضا شکل گرفته و مکانیزم قیمت‌ها در بازار تعیین می‌گردد و نظام طبیعی بازار برنامه‌های مختلف اقتصادی را هماهنگ و تعدیل می‌کند و تنها وظیفه دولت این است که چارچوب حقوقی مشخص کند تا این‌که در قلمرو آن تمام افراد جامعه با آزادی به فعالیت بپردازند و هیچ فردی نتواند آزادی دیگران را سلب کند. این دیدگاه افراطی نسبت به آزادی موجب شد تا نظام سرمایه‌داری و دولت‌های لیبرال کلاسیک اروپا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با بحران‌ها و نابسامانی‌هایی مواجه شوند. این مشکلات و نابسامانی‌ها را به وجود آورد. نظام اقتصادی دولتی

خاصی که ضرورت‌های اجتماعی اقتضا کند، می‌پذیرد، نقطه مقابل سرمایه‌داری سوسیالیسم است که قاعده عمومی را مالکیت اشتراکی می‌داند و مالکیت شخصی را جز به صورت استثنا و در موارد نادر می‌پذیرد. در این میان اولاً مالکیت خصوصی در اسلام امضا شده و مورد تأیید است؛ ثانیاً توسعه و گسترش اموال به دو صورت است: یک وقت هدف از ازدیاد ثروت حفظ آبرو، خدمت به دیگران و انجام نیکی‌هاست، چنین توسعه‌ای هرگز مذمت نشده، بلکه مورد تشویق قرار گرفته است، ولی اگر هدف حرص، لذت‌پرستی، جاه، شهوت و... باشد، چنین توسعه و ازدیاد ثروتی از نظر اسلام و خردمندان مورد مذمت و توبیخ است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «یتنافسون فی دنیا دنیه و یتکالبون علی جیفه مریحه؛ در به دست‌آوردن دنیای پست از هم سبقت می‌گیرند و بر سر مردار متعفن با هم به نزاع می‌پردازند» (۴)؛ ثالثاً هم‌چنانکه در اسلام به رشد و تکامل معنوی توجه شده، به گسترش زمینه‌های اقتصادی نیز تأکید شده است، چون معنویت و مادیت با یکدیگر عجین شده‌اند. فرهنگ و معنویت یک جامعه، می‌تواند زمینه رفاه و رشد اقتصادی آن را فراهم کند، هم‌چنانکه رشد و رفاه اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز تعالی فرهنگ و معنویت باشد. باید توجه داشت که اسلام در نهایت رشد اقتصادی را وسیله شکوفایی استعداد و شخصیت معنوی انسان می‌داند. امیر مؤمنان (ع) که در نهج‌البلاغه آن همه از دنیا مذمت فرموده‌اند، عائدات املاکش در سال به چهل هزار دینار می‌رسید، ولی همه این ثروت را وقف نیازمندان و فقرا می‌باشد (۵). دقت در نکات گذشته، این حقیقت را به اثبات می‌رساند که گرچه ارکان سعادت و کمال انسان در مسائل اقتصادی خلاصه نمی‌شود، ولی بدون شک یکی از پایه‌های سعادت انسان، رشد و رفاه اقتصادی است.

۲- دیدگاه فقهی و حقوقی «اقتصاد رقابتی»

اقتصاد رقابتی، معنای کلی دارد، از این جهت که در آن نوعی رغبت برای کوشش مجدانه و انگیزه بیشتر برای تحرک بیشتر افراد برای بروز و ظهور خلاقیت‌ها و همچنین از این جهت که در آن نوعی ساز و کارهای دورنی وجود دارد که افراد بیشتر در مقابل رفتارهای خود احساس مسؤولیت می‌کنند،

مالکیت ابزار تولید در انحصار دولت نیست، بلکه عوامل و منابع تولید و شبکه‌های توزیع نیز در اختیار دولت است (۲). این دیدگاه به نقش دولت و ندیده‌گرفتن مالکیت خصوصی، این نظام اقتصادی را با چالش‌ها و مشکلات زیادی رو به رو ساخت که مهم‌ترین آن عدم کارایی و کارآمدی این نظام و بهره‌نگرفتن از سرمایه بخش خصوصی و دخالت‌دادن آن‌ها در جهت رشد و رونق اقتصادی بود و همین امر موجب شد تا اصلاحاتی در این نوع نظام اقتصادی صورت بگیرد و نقش افراطی دولت تا حدودی تعدیل شود و عمده این اصلاحات و تعدیلات در جهت اعطای آزادی اقتصادی به بخش خصوصی و تجدید نظر در تمرکز از جانب دولت انجام پذیرفت. بنابراین هر دو نظام اقتصادی به سمت تعدیل جایگاه دولت و مالکیت خصوصی پیش رفته و از حالت تمرکز و غیر متمرکز صرف خارج شده‌اند، به گونه‌ای که در خود آمریکا که در سیطره اقتصاد بازار است ۱۶٪ نیروی کار در استخدام دولت است، ۳۵٪ تولید ناخالص ملی کشور را بودجه دولت تشکیل می‌دهد و حدود ۸۰ هزار واحد دولتی در آن کشور فعالیت می‌کنند (۳) و امروزه بسیاری از کشورها به سمت اقتصاد مختلط گرایش پیدا نموده‌اند. به هر حال در مجموع سیر تاریخی و مطالعه وضعیت اقتصاد کشورها گویای این نکته است که اقتصاد آزاد نسبت به اقتصاد دولتی توفیق بیشتری داشته است.

اقتصاد اسلامی بر پایه عدالت و اخلاق استوار است و علاوه بر پذیرش مالکیت عمومی و خصوصی، عدالت، مساوات و اخلاق را محور فعالیت خویش قرار داده است که در صورت اجرای کامل آن سعادت مادی و معنوی افراد و جوامع تأمین شده و پیشرفت مادی و معنوی آنان تضمین خواهد شد و ما بر این باوریم که اقتصاد اسلامی جایگزین مناسبی برای این نظام‌های اقتصادی است و می‌تواند الگوی فعالیت کشورها قرار بگیرد. اسلام در مکتب اقتصادی خود گونه‌های مختلفی از مالکیت، شخصی، دولتی و عمومی را پذیرفته و برای هر یک اصالت قائل شده است و اسلام در این باره با سرمایه‌داری و سوسیالیسم در نوع مالکیتی که پذیرفته تفاوت اساسی دارد. سرمایه‌داری به عنوان یک قاعده عمومی فقط به - مالکیت شخصی - اعتقاد دارد و مالکیت عمومی را تنها در شرایط

می‌تواند نقش مثبت داشته باشد. این نوع رقابت مورد تأیید قرآن کریم، سنت اهل بیت و به تبع آن مورد پذیرش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. دلایلی که در ادامه بیان می‌شود، بیانگر این تأیید می‌باشند.

۱-۲- دلیل قرآنی: مفسرین بزرگ در تفسیر آیه «وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (۶) باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند، تنافس را به بار معنای مثبت تفسیر و تبیین نموده‌اند. به عنوان نمونه «مفسر بزرگ طبرسی در مجمع‌البیان می‌گوید: تنافس به معنی تمنی (و تلاش) دو انسان است که هر کدام می‌خواهد شیئی نفیسی که برای دیگری است، در اختیار او نیز باشد... و در مجمع‌البحرین آمده است تنافس به معنی سبقت و پیشی گرفتن بزرگوارانه بر دیگری است (رقابت و مسابقه سالم). راغب در مفردات نیز می‌گوید: منافسه به معنی تلاش انسان است برای شباهت به افراد برجسته و ملحق شدن به آن‌ها، بی‌آنکه ضرری به دیگری وارد شود. به هر حال تعبیری که در آیه آمده است، زیباترین تعبیری است که برای تشویق انسان‌ها برای وصول به این نعمت‌های بی‌مانند از طریق ایمان و عمل صالح تصور می‌شود (۷).

۲-۲- دلایل روایی: به دلیل آنکه اهل بیت علیهم‌السلام مفسر و مبین منویات خدای متعال می‌باشند، آن‌ها نیز شیوه رقابت سالم اقتصادی را امضا نموده‌اند، همانطور که رسول مکرم (ص) می‌فرماید: «مؤمن رقابت می‌کند...» [همانطور که] خدای تعالی می‌فرماید: «وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (۸). امام صادق (ع): «در کار نیک برای برادرانتان با یک دیگر رقابت کنید و اهل نیکی (و خیررسانی) باشید» (۹). «از پندهای [خداوند] به عیسی بن مریم... ای عیسی! تا توانی در کار خیر رقابت کن تا به هر کجا روی آوری، اهل خیرت شناسند» (۱۰). «خداوند به کارهای نیک و پرهیز از بدی‌ها امر کرده و فرموده است: وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (۱۱) از این رو فعالیت‌های اقتصادی سالم و رقابت در آن می‌تواند یکی از مصادیق کارهای خیر باشد که اگر در آن هم رقابت و مسابقه برای رسیدن به مال و اموال بیشتر، با رعایت دستورات و فرامین الهی، مبنی بر پرداخت حقوق شرعیه (خمس و زکات و حق فقرا و مساکین، پایمال نکردن حقوق

دیگران) بوده باشد، مورد موافقت شرع مقدس خواهد بود، اما اگر افراد به گونه‌ای در رقابت‌های اقتصادی سرگرم شوند که فقط به منافع خصوصی خود بیندیشند، به طور مسلم موجب بروز مفاسد اخلاقی و مفاسد اجتماعی از قبیل بروز نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، پدیداری چهره فقر و اختلاف طبقاتی شدید خواهد بود. از این رو دخالت دولت در این‌گونه اقتصادهای رقابتی و احیاناً مخالفت با آن، به خاطر جلوگیری از به وجود آمدن غول‌های اقتصادی انحصارطلب و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص می‌باشد، نه آنکه آن‌ها را از صحنه رقابت حذف کند (۱۲).

۳-۲- دلیل قانونی: از آنجا که قانون اساسی، (مخصوصاً نظام اقتصادی) جمهوری اسلامی ایران نیز متأثر از قرآن کریم و سنت اهل بیت می‌باشد، در آن نیز ضمن مراعات همه‌جانبه حقوق افراد، جهت توسعه کشور عزیز اسلامی ایران، قوانینی را جهت تشویق افراد در جهت پیشبرد اهداف عالیه انقلاب اسلامی تعبیه کرده است. قانون اساسی به وسیله «حمایت از حیثیت، جان و مال، مسکن، حقوق و شغل افراد، منع هتک حیثیت و تعرض، آزادی کار و شغل... حامی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی افراد در حدود قانون بوده و با استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی آن‌ها جلوگیری می‌کند.» همچنین دولت با قراردادن وسایل کار در اختیار افراد نیازمند، در آن‌ها ایجاد انگیزش نموده و خلایق آن‌ها را از قوه به فعل می‌رساند (۱۲).

اگر بر این باورید که اقتصاد بسته و انحصاری موجب گسترش فساد همه‌جانبه در جامعه اسلامی و عدم توسعه پایدار می‌شود و برخلاف اصل قرآن است! هرچند تطبیق کلی و مصداقی آن در سیاست‌های اقتصادی کنونی و روند خصوصی‌سازی مشکل می‌باشد، خوب است بدانیم که اقتصاد آزاد و غیر انحصاری نیز به نوبه خود مفاسدی دارد. «یکی از مشخصات نامطلوب اقتصاد آزاد نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی و توجه صرف به ثروت و سودجویی است. این چنین شیوه‌ای اصولاً مورد قبول نوع دوستان نیست، [زیرا] که هدف اقتصاد باید بهزیستی و رفاه افراد جامعه و در خدمت انسان باشد، در حالی که اقتصاد آزاد به هیچ وجه قادر نیست خوشبختی و

سعادت کل جامعه را تأمین کند. [اقتصاد باید طوری باشد] که حیثیت مادی و معنوی عموم افراد مورد احترام قرار گیرد (۱۲). دولت در انجام مأموریت‌های خود، همواره منافع عمومی را در نظر دارد و بدین منظور برای خود حق مداخله در بسیاری از امور اجتماعی [و اقتصادی] را قائل است... در این دخالت‌ها منظور اصلی در نظر گرفتن مصالح کلی دولت و منافع جمعی ملت است، هرچند که در آن منفعت اقتصادی قابل توجهی در مقایسه با منفعت‌طلبی اقتصاد فردی حاصل نشود. [به همین منظور دولت] «برخی از واحدهای عمده اقتصادی را تحت انحصار خود درمی‌آورد و حتی اگر این واحدها در اختیار اشخاص خصوصی باشد، از طریق ملی‌کردن، آن‌ها را تصرف می‌کند... بدون آنکه مالکیت اشخاص خصوصی سلب و یا از فعالیت‌ها آن‌ها جلوگیری شود» (۱۲). به نظر می‌رسد این نوع مداخله دولت را به فعالیت اقتصادی بسته و انحصاری وادار نموده و آن را موجب گسترش فساد و عدم توسعه پایدار می‌کند، اما باید این نکته مهم را در نظر داشته باشید که «فعالیت‌های بزرگ اقتصادی، به دلیل نیاز به سرمایه کلان و دیربازدهی آن، باید در اختیار دولت باشد، زیرا بخش خصوصی با سرمایه ناکافی و پراکنده و منفعت‌طلبی آنی، از اداره آن‌ها اصولاً ناتوان است. بر فرض امکان تجمع سرمایه‌های خصوصی و احراز مالکیت توسط سرمایه‌داران غیر دولتی تمرکز و تداول ثروت در دست عده معدود، نابرابری‌های اقتصادی فاحشی را به دنبال خود می‌آورد، فلذا دولت به عنوان نماینده و خدمتگذار جامعه و عهده‌دار حمایت از منافع ملی و تعدیل روابط اجتماعی، این امر را دنبال می‌کند» (۱۲). این به معنای انحصار اقتصاد و بسته‌کردن آن نمی‌باشد تا موجب گسترش فساد باشد. دولت در نظام اقتصادی مبتنی بر رقابت، رشد و نمو استعدادها و ابتکارات فعالیت‌های افراد را مد نظر داشته، وظیفه نظارت و هدایت دارد. مهم‌ترین استدلال اقتصادی برای توجیه نقش اقتصادی فعال دولت، چه به صورت مداخله در ساز و کارهای بازار و کنترل قیمت‌ها و چه به شکل مالکیت و مدیریت دارایی‌های تولیدی، این است که تصمیم‌گیری‌ها در نظام بازار آزاد اساساً مبتنی بر منافع فردی و خصوصی است و منافع یا مصلحت جمعی یا عمومی جایی در آن ندارد. این

ادعای اقتصاددانان که جستجوی نفع فردی در چارچوب نظام آزاد رقابتی به تأمین منافع جمعی می‌انجامد و یک هماهنگی خودکار و ناخواسته، افراد را در جهت تأمین منافع جمعی سوق می‌دهد (نظریه دست نامرئی بازار) ظاهراً در همه موارد صدق نمی‌کند. فرد یا بنگاهی ممکن است برای حداکثرکردن منافع خود زبان‌هایی را به اشخاص ثالث وارد کند، بدون این‌که هزینه آن را بپردازد. «پیگو» اقتصاددان معروف اوایل قرن بیستم، این زبان‌ها را به عنوان آثار خارجی منفی فعالان اقتصادی در یک نظام بازار رقابتی مورد تأکید قرار دارد (۱۳).

اگر اقتصاد رقابتی که بیشتر تمایل به خصوصی‌کردن فعالیت‌های اقتصادی و عدم مداخله دولت در آن می‌باشد، مبتنی بر رعایت اصول اخلاقی و ارزشی و حقوق شهروندان و رعایت نیازهای اساسی جامعه و... باشد، می‌تواند مورد قبول باشد، اما اگر در آن فقط منافع خصوصی افراد و بنگاه‌ها مد نظر باشد، آثار سوء فردی و اجتماعی خواهد داشت و نمی‌تواند مورد قبول باشد. همچنین مداخله دولت در نظام اسلامی به عنوان ناظر و حامی منافع عمومی ملت، تعدیل روابط اجتماعی و جلوگیری از تجمع ثروت در دست عده‌ای خاص از افراد و گروه‌های اجتماعی می‌باشد و به معنای مسدودکردن و انحصار کردن فعالیت‌های اقتصادی نیست.

۳- قواعد فقهی حمایت از اقتصاد رقابتی

۳-۱- **قاعده آزادی و عدم اکراه:** از قواعد فقهی مهم، عدم صحت معامله‌ای است که شخص، به انجام آن مایل نباشد، ولی به واسطه اکراه کسی مجبور شود به معامله تن دهد. هرگاه تهدید جدی وجود داشته باشد و شخص احساس کند در صورت عدم معامله ضرری به او وارد می‌شود، اکراه تحقق یافته است. در واقع به علت اکراه، عنان آزادی در تصمیم‌گیری و رضا به آن از بین می‌رود، گرچه عمل را با توجه به اکراه برمی‌گزیند تا تهدید عملی نشود. فقه، چنین معامله‌هایی را به علت وجود اکراه، نوعی اکل مال به باطل می‌داند (۱۴). اکراه، افزون بر آنکه بطلان وضعی معامله را در پی دارد، حرام نیز هست. قاعده عدم اکراه و آزادی اراده، گرچه در کتاب‌های فقهی به انعقاد عقد اختصاص دارد، می‌توان آن را با قرائن و ادله متعدد شرعی تعمیم داد و به صورت یکی از

اسلامی دارد و منطقه آباد و درآمد دولت زیاد می‌شود، حاضر نشد مردم را به کاری که مایل نیستند، مجبور سازند.

همچنین در پاره‌ای از روایات وارد شده است که هرگاه زمین را از صاحبان آن اجاره می‌گیرند، کارگرانی که روی زمین کار می‌کنند، با انتقال زمین، منتقل نمی‌شوند و زمین با کارگران آنان معامله نمی‌شود، بلکه فقط زمین مورد معامله قرار می‌گیرد و کارگران زمین اگر بپذیرند، برای صاحب کار بعدی عمل خواهند کرد و کسی حق ندارد آن‌ها را وادارد تا برای صاحب کار بعدی زراعت کنند و اگر چنین سیره‌ای بین صاحبان زمین هم باشد، آن سیره باطل است: «هم احرار یزولون حیث شاؤوا و یتحولون حیث شاؤوا؛ آن‌ها آزادند هر جا که می‌خواهند می‌مانند و هر جا مایل هستند می‌روند» (۱۷).

۲-۳- قاعده عدم انحصار یا عدم رفتار انحصارگرایانه:

هرچند قاعده‌ای به نام عدم انحصار در فقه اسلامی وجود ندارد، درصددیم از مجموعه ادله شرعی آن را استخراج کنیم. مقصود از بازار انحصاری (یکی از انواع بازارهای اقتصادی) آن است که انحصارگر، بر اساس حداکثرسازی سود، برای هزینه نهایی و درآمد نهایی را به صورت نقطه تولید برمی‌گزیند. بازار انحصاری، اقسام گوناگونی مثل بازار انحصاری خالص، رقابت انحصاری و انحصار چندجانبه دارد و انحصار در هر یک دارای شدت و ضعف است. انحصار در بخش تولید و توزیع در عرضه و تقاضا هر دو رخ می‌دهد. انحصار در بخش تولید به صورت انحصار خرید یا انحصار فروش، در مورد مواد اولیه، محصول نهایی یا نیروی کار تحقق می‌یابد. انحصار باعث می‌شود فقط بخشی از عوامل بازار قدرت اعمال نظر خود را بیابد و مقدار تولید و قیمت را مشخص کند برخلاف بازار رقابت کامل که کسی قدرت اعمال نظر در تعیین قیمت را ندارد، البته انحصارگر نیز بر اساس منحنی تقاضای مصرف‌کننده، قیمت و مقدار تولید را معین می‌کند، وگرنه فروش تحقق نمی‌یابد، ولی در هر صورت با این‌که منحنی تقاضای مصرف‌کننده (محصول نهایی، خدمت و مواد اولیه)، محدودیتی برای انحصارگر ایجاد می‌کند، مصرف‌کننده هیچ نقشی در تعیین قیمت خاص و مقدار خاص از بین انواع ترکیب قیمت و مقدار در منحنی تقاضا ندارد.

اصول و مبانی حاکم بر بازارها از جمله بازار کار و احتمالاً به صورت قاعده فقهی مطرح ساخت. آزادی داشتن در انجام کارها اصل اولیه است و دین مبین بر آن تأکید داشته و کوشیده است از آزادی افراد مراقبت کند. در بازار کار، به جز مشاغل محدودی که برای جامعه ضرر دارد و در شرع حرام شده است، مسلمان می‌تواند از میان هزارها نوع شغل هر کدام را که مایل است برگزیند. وجود آزادی در انتخاب مشاغل باعث شکوفایی خلاقیت و استعدادهای فراوان می‌شود. در متون دینی از جمله اهداف ارسال پیامبر اسلام را برداشتن قیود و زنجیر می‌شمارد: «وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (۶). به کسانی که تحت ستم قرار می‌گیرند، خطاب می‌شود: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (۶) به انسان‌ها دستور حرکت در زمین و استفاده از منابع آن داده شده و برای کسب روزی نباید به مکان خاصی محدود باشند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ» (۶) پیامبر فرمود: «البلاد بلاد الله و العباد عباد الله فيحث ما أصبت خيرا فاقم؛ تمام مناطق از آن خدا است و همه‌بندگان اویند؛ پس هر جا به خیری دست یافتی اقامت کن» (۱۵).

امیر مؤمنان در نامه‌ای به قرطبه بن کعب انصاری حاکم فارس می‌نویسد: گروهی از مردم حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و اظهار داشتند که نهر آب آن‌ها خشک شده است. اگر آن را حفر کنند و به آب برسانند، منطقه آن‌ها آباد می‌شود و بر دادن خراج و مالیات قدرت می‌یابند و مقدار مالیات پرداختی ناحیه آن‌ها فراوان می‌شود. از من خواستند که به تو نامه‌ای بنگارم تا تو آن‌ها را بر کار حفر نهر و تدارک هزینه آن گردآوری: «و لست أن أجبر أحداً على عملٍ يكرهه» و من شخص را به کاری که مایل نیست، وانی دارم، پس آن‌ها را نزد خود بخوان. اگر مطلب همان‌گونه باشد، هر کس که به حفر و لایروبی نهر مایل باشد، او را به کار گمار و نهر از آن فردی است که در آن کار کند، نه آنکه به کار در آن تمایل ندارد. آبادکردن نهر و قدرت‌یافتن نزد من از سستی آن‌ها محبوب‌تر است (۱۶). حفر نهر و لایروبی آن با این‌که از دید حضرت امیر مؤمنان نیکو است و منافع بسیاری برای افراد و جامعه و دولت

به دو نکته باید توجه کرد: اول: این که گاه اسباب طبیعی باعث انحصار می‌شود، مثل این که شخصی وسیله جدیدی را اختراع کند، وسیله جدید منحصراً در اختیار مخترع است، ولی به این معنا نیست که این تولیدکننده، رفتار انحصاری خواهد داشت، زیرا هر چند یگانه تولیدکننده است، می‌تواند به گونه‌ای تولید و قیمت را تعیین کند که با روش بازار انحصاری کامل مخالف باشد. بنابراین مقصود از نبود انحصار در بازار اسلامی، نبود رفتار انحصارگرایانه است. اگر به صورت مطلق نتوان آن را اثبات کرد، در مورد کالاهایی که نیاز عمومی به آن تعلق می‌گیرد، با توجه به ادله، قابل اثبات است؛ نکته دوم: این که بین تقاضا و نیاز، تفاوت اساسی وجود دارد (۱۸). متقاضی شخصی است که به کالا نیاز دارد و قدرت خرید آن را هم دارا است و می‌تواند با درآمد خود آن را تهیه کند، اما همه نیازمندان نمی‌توانند کالاهای مورد نیاز خود را تقاضا کرده، بخرند. اگر برای کالایی ۱۰۰۰ عدد آن مورد تقاضا است، به این معنا نیست که فقط ۱۰۰۰ عدد از آن مورد نیاز است. هر نیازمندی به شرطی متقاضی می‌شود که نظام توزیع، درآمد او را تأمین کند. در همه بازارها بر اساس روابط ریاضی، تقاضا با عرضه برابر می‌شود، زیرا اگر عرضه کم باشد، با افزایش قیمت کالا، بخشی از افراد از متقاضی بودن خارج می‌شوند و سرانجام برابری رخ می‌دهد. علت خروج شخص از گروه متقاضیان ممکن است به این علت باشد که چون کالا گران شده، شخص، نیاز خود را با کالای دیگر تأمین کند و احتمال دارد با بالارفتن قیمت کالا، شخص به جهت کمبود درآمد، به تأمین کالا و رفع نیاز خود توانا نباشد و نیاز او بدون پاسخ باقی بماند. در بازاری که اکثریت مردم در فقر به سر برند و فقط بخشی از جامعه دارای درآمد کافی باشند، مقدار عرضه کالا برابر تقاضای جامعه و تولید به اندازه تقاضای صاحبان درآمد است، هر چند قشر بزرگی از مردم درآمد کافی نداشته، نیاز شدید خود به کالای خاص را برآورند. اگر همه مردم درآمد کافی داشته باشند و بتوانند نیازهای خود را تأمین کنند، اینجا نیز تولید به اندازه تقاضا صورت می‌گیرد و تعادل رخ می‌دهد. بنابراین تعادل اقتصادی از جهت ارزشی هیچ گونه عنوانی نمی‌یابد، زیرا صرفاً پدیده‌ای ریاضی است که بر اساس برابری

عرضه و تقاضا در یک قیمت خاص حاصل می‌شود. از این رو این پدیده نمی‌تواند هدف نظام ارزشی باشد، مگر آنکه وضعیت توزیع درآمد به گونه‌ای باشد که متقاضیان با توجه به درآمد کافی بتوانند بر اساس شأن اجتماعی، نیازهای خود را تأمین کنند. با توجه به نکات طرح شده روشن می‌شود که در بازار انحصاری همچون بازار رقابتی، تعادل صورت می‌گیرد، ولی تعادل اقتصادی، امری ارزشی نیست، بلکه اتحاد و برابری ریاضی را بیان می‌کند. به نظر می‌رسد از مجموعه‌ای از ادله بتوان استفاده کرد که بازار انحصاری به معنای اعمال رفتارهای انحصارگرایانه با قواعد اسلامی موافقت ندارد و می‌توان عدم انحصار را به صورت قاعده فقهی جدید مطرح کرد (۱۹).

- اسلام، در بخش ثروتهای طبیعی، انحصار را ممنوع ساخته و اجازه نداده است که ثروتهای طبیعی دست افراد محدودی قرار گیرد، بلکه زمین‌های موات، معادن، آب‌ها، جنگل‌ها، کوه‌ها و دیگر موارد انفال و ثروتهای عمومی در مالکیت دولت اسلامی یا همه مسلمانان قرار دارد. فقط با توجه به وضعیتی خاص ممکن است به افرادی اجازه داده شود که در ازای اجاره یا پرداخت سهمی از درآمد، بخشی از آن را به طور محدود در اختیار گیرند (۱۸). این بحث به صورت گسترده در کتاب‌های فقهی آمده که ثروتهای طبیعی، ابتدا در ملکیت افراد قرار نمی‌گیرند.

- از احکام بازار اسلامی، ممنوع بودن احتکار است (۱۴). محتکر حق ندارد کالا را انبار کند تا قیمت آن بالا رود و سود سرشاری کسب کند. محتکر با ذخیره‌سازی و کاهش عرضه، نبض قیمت کالا را در دست می‌گیرد و بر تعیین قیمت حاکمیت می‌یابد. اسلام مانع حاکمیت محتکر شده و او باید کالا را در معرض عموم قرار دهد تا نظام بازار از حالت اولیه خارج نشود و قیمت‌ها به طور طبیعی تعیین شود، حتی پیامبر اسلام نیز از تعیین قیمت خودداری کرد (۱۷). وقتی اسلام به حاکم (جز موارد بسیار ضرور) اجازه نداده که قیمت مشخصی را تعیین کند و تعیین قیمت را به مجموعه عوامل بازار احاله کرده است، چگونه اجازه می‌دهد که عرضه‌کنندگان کالا یا خدمت به طور انحصاری عمل، و قیمت را تعیین کنند. احتکار، نوعی انحصار در بخش توزیع است که مورد نهی اسلام قرار

دارد. از پیامبر اکرم نقل است: «من دخل فی شی من أسعار المسلمين لیغلبه علیهم كان حقاً علی الله ان یقذفه فی معظم من النار و رأسه اسفل»؛ کسی که در موردی از نرخ‌های مسلمانان دخالت کند تا قیمت آن‌ها را بر ایشان گران سازد، بر خداوند متعالی است که او را وارونه به سخت‌ترین جای جهنم پرتاب کند» (۱۵).

انحصارگر در بعد تولید با این‌که ظرفیت سرمایه تولید بیشتر با استخدام کارگر بیشتر را دارد، بخشی از ظرفیت سرمایه تولیدی را راکد گذاشته و آن را احتکار کرده، در معرض استفاده قرار نمی‌دهد. اگر در بازار کار، اتحادیه کارگری انحصار در فروش داشته باشد، با جلوگیری از عرضه کار، نیروی کار را احتکار می‌کند تا قیمت آن بالا رود و همین‌طور انحصار خرید که انحصارگر به‌گونه‌ای می‌خرد تا قیمت کم‌تری بدهد.

- حدیثی از امام صادق (ع) به این مضمون رسیده: حضرت به غلام آزادشده خود به نام مصادف، هزار سکه طلا برای تجارت داد. مصادف با افراد دیگر کالایی را برای فروش در مصر تهیه کردند. نزدیک مصر اطلاع یافتند که این کالا نایاب است. با هم پیمان بستند که کالا را با سود صد در صد به فروش رسانند. وقتی به مدینه آمد و دو هزار دینار را نزد حضرت گذاشت و جریان را بازگفت، حضرت با ناراحتی فرمود: سبحان‌الله هم سوگند شدید که جز با سود صد در صد به ضرر مسلمان معامله نکنید! حضرت سود را برگرداند و فرمود: مصادف، پیکار در راه خدا از کسب حلال آسان‌تر است (۱۷). از روایت استفاده می‌شود که اتحاد و توافق گروهی از عوامل بازار برای تعیین قیمت خاصی که سودآوری فراوانی داشته باشد، کسب حلال نیست و عمل آن‌ها شبیه عملکرد کارتل‌ها و تراست‌هایی است که ضد مصرف‌کننده با هم اتحاد یافته، قیمت خاصی را با سود بالایی در بازار تعیین می‌کنند. بنابراین هر انحصاری که قیمتی را تحمیل کند که باعث سختی مردم دست‌کم در کالای مورد نیاز عموم شود، ممنوع است.

- انحصار باعث پدیدآمدن قیمت اجحافی می‌شود. امیر مؤمنان در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: باید داد و ستد، آسان و منصفانه باشد و با ترازوی درست و به نرخی که خریدار و

فروشنده هیچ یک زیان نبینند (۲۰). قیمت در بازار انحصاری اجحافی است و متقاضی بیشترین ضرر را می‌بیند و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اگر قرار باشد قیمت در بازار انحصاری اجحافی نباشد، هیچ قیمتی، اجحافی نخواهد بود، زیرا در هر بازاری محدوده قیمت منحنی تقاضا است و هیچ فروشنده‌ای قیمت را در بالاتر از منحنی تقاضا تعیین نمی‌کند، وگرنه به فروش نمی‌رسد. شهید صدر می‌گوید: اسلام با قیمت‌های مصنوعی که در فضای انحصار سرمایه‌داری در بخش توزیع تحقق می‌یابد، مبارزه می‌کند و سود پاک را سودی می‌داند که از قیمت واقعی کالا در مبادله پدید آید و آن قیمتی است که در تحقق آن ارزش کالا و درجه توانمندی کالا بر اساس عوامل طبیعی و قراردادی دخالت دارد و کمیابی ساختگی که محتکران و تاجران سرمایه‌داری از راه سلطه بر عرضه و تقاضا اعمال می‌کنند، هیچ نقشی در آن ندارد (۱۸).

- انحصار، با اهداف اقتصاد اسلامی هماهنگی ندارد. توزیع درآمد مناسب، توازن اجتماعی و عدالت، از اهداف اقتصاد اسلامی است. انحصار، باعث ایجاد اختلاف طبقاتی و توزیع نامناسب درآمد و باعث تداول ثروت در طبقه‌ای خاص می‌شود.

- انحصار با عدم بهره‌گیری از امکانات و در مواقعی با اسراف و تبذیر اموال تلازم دارد. در بخش تولید، انحصارگر از تمام ظرفیت تولید بهره نمی‌گیرد و بخشی از سرمایه تولید از جریان کمک به جامعه خارج می‌شود. در مواقعی برای تثبیت قیمت، انحصارگر کالای تولیدی را نابود می‌کند، مانند نابودی بخشی از کالاهای کشاورزی برای تثبیت قیمت.

- انحصارگر با تعیین قیمت گاه افراد را مضطر می‌کند که کالا را با قیمت خاص بخرند و طبق قاعده اضطرار، عمل انحصارگر درست نیست.

- انحصارگر با تعیین قیمت بالا برای حداکثر سود خود بسیاری از افراد را که به کالا نیاز دارند، از دایره متقاضیان خارج می‌کند و این با روح تعاون و همکاری مؤمنان که اسلام بر آن تأکید دارد، منافات دارد: «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (۶) این عمل به مثابه عدوان و

دوگانگی است که شخص، نیاز دیگران را در نظر نگیرد و فقط برای جلب حداکثر منفعت مادی، قیمت بالا را تعیین کند.

- لازمه انحصار و هدف قرارگرفتن سود مادی، شیوع اخلاق تکاثرطلبی است. از آثار آن دنیاطلبی به شکل ناشایست است و این با محوریت شرافت انسانی در اقتصاد اسلامی تعارض دارد. روحیه انحصارگر، او را از جهت معنوی سقوط می‌دهد، زیرا هدف اصلی او کسب سود بیشتر و بالا بردن قیمت به ضرر بازار اسلامی است.

- آنچه گفته شد، بدون در نظر گرفتن وظایف و نظارت دولت اسلامی است. از آنجا که وجود بازارهای انحصاری، مشکلات بسیاری را در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند، دولت اسلامی برای حفظ مصلحت عمومی می‌تواند از ایجاد انحصار در تولید و توزیع جلوگیری کند یا این‌که بخشی از امور را در انحصار دولت قرار دهد تا زمینه فساد از بین برود (۱۴).

- برخی محققان معتقدند که تولیدکننده مسلمان به علت توجه به منافع اجتماعی، افزون بر منافع شخصی در وضعیتی که انحصار حاکم باشد، در نقطه برابری تولید نمی‌کند (انحصار = منافع شخصی)، زیرا تولید در این نقطه با اتلاف و استفاده غیر کارآمد از منابع همراه است. او می‌تواند با به کارگیری منابع و تولید محصول، ارزش اجتماعی بیش از هزینه نهایی ایجاد کند، گرچه سود او کم می‌شود، منافع خالص اجتماعی افزایش می‌یابد، حتی دولت می‌تواند او را به تولید در آن نقطه وادارد و در حقیقت نقطه تولید در بازار انحصار به نقطه انتخاب در بازار رقابت نزدیک می‌شود (۲۱).

۳-۳- قاعده تعاون: طبق آیه مبارکه «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (۶)، مؤمنان باید بر نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری رسانند و از همکاری بر گناه و دشمنی بپرهیزند. هر آنچه طاعت الهی شمرده شود، نیکی است و ستم، از موارد گناه و دشمنی با خدا و مؤمنان به‌شمار می‌رود (۲۲-۲۳). بازار اسلامی جایگاه همکاری جهت تحقق نیکی و کمک به سالم‌سازی و دوری از سوءاستفاده از موقعیت‌های بحرانی است. همکاری در جهت تشکیل کارتل و تراست به منظور کنترل قیمت از موارد همکاری بر گناه و دشمنی است. عملکرد غلام امام صادق و تبانی او با دیگر

فروشنندگان در مورد افزایش قیمت کالای نایاب و رد این عمل از سوی امام در بحث قاعده انحصار گذشت (۱۷). از سوی دیگر، همکاری نیروی کار در تشکیل اتحادیه جهت حمایت از حقوق خود از نوع تعاون بر نیکی است؛ ولی همکاری آن‌ها نباید باعث وقوع خسارت به اموال کارفرما شود. اتحادیه‌های کارگری باید در مورد اجرای اعتصاب‌ها به‌گونه‌ای تصمیم بگیرند که باعث تعطیلی جریان تولید کالا و متضرر شدن مردم نشود. همکاری نیروی کار در مورد کم‌کاری نیز از موارد تعاون بر دشمنی است. در ضمن بر اساس این اصل می‌توان عملکرد شرکت‌های تعاونی در جهت بهبود قیمت‌های بازار و توزیع سود بین نیروی کار را تصحیح کرد. همکاری و تعاون زمینه رقابت را میان افراد مجموعی ایجاد می‌کند و می‌تواند جامعه را از نظر اقتصادی پویا و سالم کند.

۴-۳- قاعده حق اولویت: هر کس مکان عمومی را زودتر از دیگران در اختیار گیرد، کسی حق مزاحمت برای او ندارد و اگر پیش از دیگران زمین یا معدن را در اختیار گرفت و علامت‌گذاری کرد، آن منبع به صورت منبع حیازت‌شده در اختیار او قرار می‌گیرد و کسی حق مزاحمت برای او ندارد و کار او محترم است، البته شخص نباید به گونه‌ای منابع عمومی را حیازت کند که باعث سختی و ضرر به دیگر مردم شود (۲۴). استفاده از منابع طبیعی عمومی با نظارت دولت امکان‌پذیر است. نیروی کار می‌تواند به طور مستقیم برای بهره‌برداری از منابع طبیعی اقدام کند. برخی از فقیهان بزرگوار مثل محقق حلی، علامه حلی، محقق اصفهانی استخدام نیروی کار را برای حیازت و جمع‌آوری کالاهای طبیعی درست نمی‌دانند. بر این اساس، استخدام کارگر برای جمع‌آوری چوب جنگل، صید ماهی، حیازت آب و احیای زمین موات درست نیست و حاصل کار کارگر به او تعلق دارد (۱۸، ۲۵)، چون رابطه اجیر و مستأجیر با مواد اولیه طبیعی یکسان است، هر کدام که حیازت را انجام داد، مالک منابع می‌شود و قرارداد وکالت یا اجاره اثری در ملکیت ندارد، البته بنا بر قول دیگر که استخدام در مورد حیازت منابع طبیعی را صحیح می‌داند بر حسب قصد و نیت کارگر مواد اولیه به تملک درمی‌آید (۲۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله بیان شد و به استناد منابع فقهی و حقوقی و همچنین قواعد فقهی در خصوص اقتصاد رقابتی، می‌توان به نتایج زیر دست یافت که:

۱- اقتصاد باید پویا و غیر قابل انحصار باشد، دولت نباید راه‌های دسترسی به اقتصاد آزاد را مسدود کند و جلوی رسیدن به یک بازار رقابتی در جامعه را بگیرد و این‌که یکی از راه‌کارهای تحقق اقتصاد مقاومتی دستیابی به یک اقتصاد رقابتی در جامعه است.

۲- در متون دینی از اقتصاد دارای ابعاد رقابتی و در عین حال شفاف حمایت شده است.

۳- قواعد فقهی چون آزادی و عدم اکراه عدم انحصار و تعاون و حق اولویت می‌تواند راه‌کار مناسبی برای ایجاد موقعیت رقابتی در جامعه ایجاد کند.

۴- نقش حمایت از اقتصاد رقابتی به عنوان یک اصل در اقتصاد آزاد برای رسیدن به حقوق کامل شهروندی لازم و ملزوم است.

۵- حقوق شهروندی راه‌کارهایی را برای تحقق اقتصاد مقاومتی ارائه داده است که بخش قابل بیان آن اقتصاد رقابتی است.

References

1. Hashemkhani M. Government and economy. Qom: Rahavardnoor; 2012. Available at: <http://www.donya-e-eqtasad.com>.
2. Institute of Hawzah and University Principles of Islamic Economy. Tehran: Samt; 1992.
3. Dadgar Y, Rahmani T. Principles of Economics: Outlines of Economy for Everyone. Qom: Bustan-e Ketab; 2011.
4. Emam Ali. Nahj al-Balagha. Qom; Mashhor; 1998. p.151.
5. Al-Bilazari Ahmad Ibn Yahya. Futuh al-Buldan (Iran). Translated by Azarnoosh A. Edited by Fruzan M. 2nd ed. Tehran: Soroush; 1985. p.19.
6. Holy Quran. Mutaaffin: 26.
7. Makarim al-Shirazi N. Al-Qawaed al-Fiqhyah. Qom: Amir al-Muminin School; 1991. Vol.26 p.277.
8. Jabaran MR. Al-Akhlaq. 4th ed. Qom: Hijrat; 1999.
9. Akhavan Hakimi AA. Al-Hayat. Tehran: Islamic Culture Press; 2001.
10. Azhir HR. Behsht Kafi. Qom: Surur Press; 2002.
11. Arif SMS. Bright Path. Mashhad: Astane Qods Razavi; 1993.
12. Hashimi SM. Constitutional law of Islamic Republic of Iran, principles and foundations of the system. Tehran: Dadgostar; 1999. Vol.1.
13. Ghaninezhad M. Theoretical and Historical Principles of State economy. Tehran: Irani; 2007 Available at: <https://donya-e-eqtasad.com/>.
14. Musavi Khomeini SR. Tahrir al-Wasilah. Qom: Imam Khomeini Institute; 2000.
15. Hindi Ali al-Mutaqi Ibn Husam al-Din. Kanzol-Ommal. Beirut: Kanz al-Amal; 1989.
16. Mahmudi M. Administrative ethics in Nahj al-Balaghah. Qom: Jahan; 1958. Vol.5 p.359.
17. Hurr-e Ameli Muhammad Ibn Al-Hassan. Wasael al-Shia. Tehran: Islami Press; 1983.
18. Sadr SMB. Al-Islam Yaqud al-Hayat. Qom: Shahid Sadr Press; 2001.
19. Rezaei M. Economic activity in the light of Islamic vision and values, Islamic economy. Qom: Institute for Islamic Culture and Thought; 2004.
20. Razi Abu al-Hassan al-Sharif. Nahj al-Balagha. Edited by Subhi al-Salih. Qom: Hijrat; 1975.

21. Musavian SA. Saving and investing in Islamic economy. Tehran: Institute for Islamic culture and thought; 1997.
22. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Beirut: Dar al-Ehya; 1983.
23. Tabatabaei Yazdi SMK. Al-Urvat al-Wuthqa. Qom: Islami Press; 2000. Vol.4 p.152; Vol.5 p.163.
24. Makarim Shirazi N. Al-Qawaed al-Fiqhyah. Qom: Amir al-Muminin School; 1991.
25. Najafi MH. Jawahir al-Kalam. Tehran: Dar al-Kutub; 1986.

Appendix

Article 68: Clause 9 of article 3 of Constitution, clause 19 of general policies of resistance economy-adopted in 2013.

Article 69: Law of free access and dissemination of information- adopted in 2007- law of improvement of business environment - adopted in 2011- general policies of economic security- adopted in 2000, clause 19 of general policies of resistance economy- adopted in 2013.

Article 70: Clause 9 of article 3 of constitution, clause 5 of general policies of investment encouragement - adopted in 2010, clause 19 of general policies of resistance economy - adopted in 2013.

Article 71: Clause 9 of article 3 of constitution, clause 2 of general policies of investment encouragement - adopted in 2011, clauses 19 and 23 of general policies of resistance economy - adopted in 2013.

Article 72: clauses 8, 12 and 14 of the article 3 of constitution, law of encouragement of foreign investment- adopted in 2001 - general policies of encouragement of investment - adopted in 2010 - law of fight against smuggling of goods and currency - adopted in 201 - clause 23 - general policies of resistance economy - adopted in 2013.